

داستانهای کوتاه و کوتاهتر

، قیه خوش طینت کوزه کنانی



نشر استوار

مرکز پخش: مشهد، خیابان دانش، بازار کتاب گلستان، شماره ۱ و ۲، پخش

کتاب رنوف، تلفن: ۵۸۴۶۰۵۸۴۶-۳۸۴۰۵۱۰۵۱ همدان: ۹۵۶۸۳۰۹۱۵۵۰۹۱۵۵۰

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۰۶-۸۴-۲

بدنکویم به مستاب اگر تب داریم

خوش طینت کوزه کنانی، رقیه، ۱۳۳۴-، گردآورنده	سرشناسه:
داستانهای کوتاه و کوتاهتر / رقیه خوش طینت کوزه کنانی.	عنوان و نام پدیدآور:
مشهد: دستور، ۱۳۹۵.	مختصات نشر:
۲۵۶ ص؛ ۵/۱۴×۲۱/۵ س.م.	مشخصات ظاهری:
مجموعه داستانهای معاصر فارسی؛ ۱۳.	بروست:
978-600-5306-84-2	شابک:
فیا	وضعیت فهرست نویسی:
داستانهای کوتاه فارسی -- قرن ۱۴ مجموعه ها	موضوع:
Short stories, Persian--20th century	موضوع:
داستانهای اخلاقی -- قرن ۱۴ -- مجموعه ها.	موضوع:
Ethical fiction--20th century--Collection	موضوع:
PIR ۴۲۴۹/۶۹۵۲ ۱۳۹۵	رده بندی:
۸۶۳/۶۲	رده بندی دیویی:
۴۴۸۲۱۶۰	شماره کتابشناسی ملی:



نشر دستور

- داستانهای کوتاه و کوتاهتر
- گردآورنده: رقیه خوش طینت کوزه کنانی
- نوبت چاپ: اول ● زمستان ۱۳۹۵ ● قطع: رقعی ● ۲۵۶ صفحه
- شمارگان: ۲۰۰ جلد ● قیمت ۲۲۰/۰۰۰ ریال
- واژه نگاری و صفحه آرای: فاطمه عطایی
- چاپ: مرنديز، صحافي، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد
- طرح جلد: نویسنده، اجرا: دفتر هنری طرح جامع، تلفن: ۹۱۵۵۰۹۴۱۸۶
- شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۰۶-۸۴-۲
- حق چاپ محفوظ است
- مشهد، صندوق پستی ۱۳۸۸-۹۱۸۹۵ تلفن ۹۱۵۳۱۴۸۲۷۷
- نمابر ۰۵۱-۳۸۴۳۹۷۲۱ پیام نگار: shahri81@yahoo.com

در این مجموعه موضوعات زیر را می‌خوانیم:

صفحه	عنوان
۵	سخن‌گردآورنده
۶	حکمت خداوند
۱۵	آرامش
۱۷	آرزو
۱۸	ازادگی
۱۹	احترام
۲۰	احساس
۲۷	اصالت
۲۸	معنای اصالت چیست؟
۲۹	افتخار
۳۹	افتخار ایرانی
۴۴	امید
۵۰	اندیشه
۵۹	انسان
۷۳	ارزش سکوت
۷۵	زمین بهشت می‌شود
۷۹	ایثار
۸۰	ایمان
۹۸	تقدیم به پدرم
۹۹	پدر
۱۰۰	مادر
۱۰۸	پدر و مادر
۱۱۰	ترس

۱۱۱	تعلیم و تربیت
۱۳۱	حسرت
۱۴۸	خوشبختی
۱۵۱	دوستی
۱۵۳	زن و مرد
۱۵۴	زن
۱۵۹	م
۱۶۱	زنگ
۱۶۷	زیبایی
۱۶۸	شادی
۱۶۹	صداقت
۱۷۰	ظلم
۱۷۲	عادت
۱۷۳	عادت به شرایط بد
۱۷۴	عشق
۱۸۷	فرهنگ
۲۰۴	فقر
۲۰۵	قضاوت
۲۱۰	مرگ
۲۱۳	مهربانی
۲۲۶	موفقیت
۲۲۸	نادانی
۲۳۸	واقعیت
۲۵۶	دعا

سخن گردآورنده

سلام؛ و چه زیبا و بی‌ریاست این سلام.
انگار تمام ناگفتنی‌ها را با خود دارد تمام حرف‌ها؛ عشق‌ها و آرزو و امیدها همه و همه در این چهار حرف خلاصه شده است.

نکات پس از سلام حرفی برای گفتن و نوشتن نمی‌ماند.
شاید برای همین است که سلام ثواب دارد؛ اجر و مزد دارد.
نمی‌دانم مر چه است زیباست، دلنشین است، با محبت است.
آغاز کلام است و بنده زبان و دل تمام ناگفته‌های هر دل غریب با گفتن یک سلام تهی می‌شود سبک می‌شود. نمی‌دانم چرا؟
بگذار من نیز تمام ناگفته‌های دل عاشقم را با گفتن چند سلام، خالی کنم تا لااقل مقداری ثواب ببرم.

سلام، سلام، سلام، سلام به خدای مهربانم!
مرا نکاوید، مرا بکارید، من اکنون بذری در ستارگشته‌ام، مرا بر الوارهای نور ببندید، از انگشتانم برای کودکان مداد رنگی بسازید.
گوشه‌هایم را بگذارید، تا در میان گلبرگهای صدا پاسداران کند، چشمانم را گل میخ کنید و بر هر دیواری که در انتظار یادگاری کودکی است بیاویزید.
در سینه‌ام بذر مهر بپاشید تا کودکان خسته از الفبا، در مرغزارهای بازمی‌کنند.
مرا نکاوید، واژه بودم، زنجیر کلمات گشته‌ام، سخنی نوشتم که دیگران با آرایش بخوانند.

من اکنون بذری در ستارگشته‌ام، مرا بکارید در زمینی استوار جایم دهید، نه در جنگلی که در زیر سایه درختان معیوب باشم. (جای من در کنار پنجره‌هاست)